

گناهان مرگ‌ارزان در متون فارسی میانه^۱

نادیا حاجی‌پور^۲

دانش آموخته رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهشید میرفخرایی^۳

استاد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

چکیده

مرگ‌ارزان بر اساس متون فارسی میانه به گناهی اطلاق می‌شود که مجازات آن مرگ است. در فهرست پایه‌های گناه، مرگ‌ارزان سنگین‌ترین گناه است. در چندین متن از فارسی میانه درباره گناهان مرگ‌ارزان و مجازات آن سخن رفته است. در این میان، برخی فهرستی از گناهان مرگ‌ارزان را در یک بخش مستقل ارائه می‌دهند و در برخی نیز به طور پراکنده درباره این گناه سخن گفته شده است. در این پژوهش، گناهان مرگ‌ارزانی که در متون پهلوی آمده، ذکر و مراحل دادرسی آن شرح داده می‌شود. گناهان مرگ‌ارزان از جهت «همیمالی» و «روانی» بررسی می‌شود. گناهی چون قتل، دزدی کردن، گواهی دروغ دادن به جهت آسیب به دیگران در گروه «همیمالی» و گناهی چون گرویدن به دین دیگر، فریبکاری، دفن کردن نسا به جهت آسیب به روان خود فرد در گروه گناهان «روانی» قرار داده شد. در این پژوهش همچنین به روند دادرسی گناهکار از نظر حقوقی و دینی پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها

مرگ‌ارزان، پایه‌های گناه، مجازات، همیمالی، روانی، متون فارسی میانه، پهلوی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۳

۲. پست الکترونیک: nadiahajipour@yahoo.com

۳. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): mahshidmirefakhraie@yahoo.com

۱. مقدمه

مرگ‌ارزان^۱ در متون فارسی میانه هم به گناهی که مجازات آن مرگ است و همچنین به فردی که مرتکب گناه مرگ‌ارزان شده، اطلاق می‌شود.^۲ این عبارت از دو بخش «مرگ»^۳ و «ارزان»^۴ تشکیل شده و «به مرگ ارزانی، درخور مرگ» معنی می‌شود.^۵ پیش از پرداختن به گناهان مرگ‌ارزان ابتدا به درجات گناه و انواع آن، اشاره می‌شود.

۱.۱. پایه‌های گناه

بر اساس متون فارسی میانه و زردشتی گناه دارای پایه و درجاتی بوده که مرگ‌ارزان بالاترین و سنگین‌ترین مرتبه از آن به شمار می‌رفته است. درجات گناه و تاوان آن در این متون با کمی تفاوت، تقریباً در همه جا، یکسان آمده است. بر اساس صد در بندهش (در ۱۳) گناه نه مرتبه دارد:

فصل اندر کرفه و گناه بنو شتم. بدانند که به دین در کرفه گناه پایه خرد بنهاده است، و هر یک را نامی است: فرمان و آگرفت و او پروشت و اردوش و خور و بازاء و یات و تنافور و مرگ‌رزان ...^۶

دربارهٔ گناهان ذکر شده در بالا، فرمان^۷ نام کمترین درجهٔ گناه است که شاید کوتاه‌شدهٔ «فرمان سپوختن»^۸ یا «اندرز فرمان»^۱ باشد. آگرفت^۲ گناه بلند کردن سلاح به قصد ضربه زدن

1. marg-arzān

۲. این دو مفهوم مرگ‌ارزان در *مادیان هزار دادستان* که یک متن حقوقی متعلق به دورهٔ ساسانی است، به خوبی مشخص می‌شود. برای مفهوم گناه نک: *مادیان هزار دادستان*: ۹/۹۷ و برای معنای فرد مرگ‌ارزان نک: *مادیان هزار دادستان* انکلساریا: ۶/۳۴.

3. marg

4. arzān

۵. پوردادو، ابراهیم، *یادداشت‌های گاتها*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱ش، ص ۳۸۱.

6. Dhabhar, B. N., *Saddar Naṣr and Saddar Bundeheh*. Bombay, 1909, p.81.

در این قسمت همچنین به تاوان هر گناه اشاره شده و برای هر گناه چند نمونه ذکر شده است که تا در ۱۹ ادامه دارد.

7. framān

۸. framān spōxtan: «به تاخیر انداختن فرمان»؛ برای این اصطلاح نک: Jamasp Asa, D. H. (ed.), *Vendidad (Avesta Text with Pahlavi Translation)*, Bombay, 1907, Vol. 1, p. 210

زدن است. ^۳ اَیرِشت گناه حمله کردن با سلاح، اردوش ^۴ گناه مجروح کردن به وسیلهٔ ضربه زدن، خور ^۵ گناه وارد کردن ضربه که باعث خونریزی شود، بازای ^۶ گناه وارد کردن ضربه بر بازو که موجب ناتوانی شود، یات ^۷ گناه وارد کردن ضربه بر بدن و تنافور / تناپل ^۸ شدیدترین نوع گناه است. مرگ‌ارزان، سنگین‌ترین گناهان است که مجازات مرگ در پی دارد. ^۹ تاوان گناه فرمان، آگرفت و اویرشت در همهٔ منابع یکسان نیست. تاوان گناه اردوش همه جا سی استیر ^{۱۰}، خور شصت استیر، بازای نود استیر، یات صد و هشتاد استیر و در آخر تناپل سیصد استیر است. ^{۱۱}

۱. handarz framān: «دستور و تقاضایی که در وصیت ذکر می‌شود»؛ برای این آگاهی بیشتر از این گناه

نک: Dhabhar, B. N., *Zand-i Khūrtak Avestāk*, Bombay, 1927, p.65.

۲. āgrift. در اوستا: -āgərəpta.

۳. ōyrišt. در اوستا: -avaoirišta.

۴. arduš. در اوستا: -arəduš.

۵. xwar. در اوستا: -xvara.

۶. bāzū.jata. در اوستا: -bāzū.jata.

۷. yāt. در اوستا: -yāta.

۸. tanāpuhl. در اوستا: tanūm.piryeiti. tanū. pərətō.tanū و pəšō.tanū آمده است و زند آن -marg-

arzān است.

۹. برای آگاهی بیشتر نک: داراب هرمزدیار، *روایات*، به کوشش رستم اونوالا، بمبئی، ۱۹۲۲، جلد ۱، ص ۳۰۱؛

مزداپور، کتابیون، *شایست ناشایست*، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ش،

صص ۴-۵؛ میرفخرایی، مهشید، «گناه و تاوان آن در نوشته‌های پهلوی»، *پژوهشنامهٔ فرهنگستان زبان ایران*، س

۱، ش ۲، ۱۳۵۶ش، صص ۱۲۵-۱۳۶. میرفخرایی، مهشید، *روایت پهلوی، آوانویسی، برگردان فارسی، یادداشت-*

ها و واژه‌نامه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ش، صص ۳۷۱-۳۷۳؛ حسینی، سید

حسن، «درجات گناه، تاوان و پتیت در دین زردشتی»، *هفت آسمان*، ش ۲۸، ۱۳۸۴ش، صص ۱۸۷-۲۲۴؛

Dhabhar, B. N., *Zand-i Khūrtak Avestāk*, p.65; Jamasp, D. H., p.210.

۱۰. stēr: استیر (= سیر) هم واحد وزن است و هم واحد پول. در اینجا واحد پول است (برای آگاهی بیشتر

نک: مزداپور، کتابیون، صص ۵-۶).

۱۱. نک: مزداپور، کتابیون، صص ۴-۵؛ داراب هرمزدیار، جلد ۲، ص ۳۰۱؛

Macuch, M., "Judicial and Legal Systems III, Sasanian Legal System", *Encyclopaedia Iranica*, 2009, Vol. XV, Fasc. 2, pp.191-194.

در جلد اول از روایت داراب هرمزدیار به هشت پایهٔ گناه اشاره می‌شود که مانند گناهان ذکر شده در بالاست به جز آنکه گناه مرگ‌ارزان را ندارد. اما در ادامهٔ توضیحاتی که دربارهٔ گناهان و توان آنها داده می‌شود، اشاره شده، هر گاه تعداد گناهان تنافور از ۸ یا ۱۵ بگذرد، درجهٔ گناه مرگ‌ارزان است.^۱

در سه فصل شایست ناشایست به پایه‌های گناه اشاره شده است. در فصل اول به نقل از وندیداد، هشت پایه برای گناه ذکر شده که ترتیب آن مانند روایت داراب هرمزدیار است.^۲ در فصل ۱۱، گناه نه پایه دارد که سروش‌چرنام به هشت گناه اضافه شده و بعد از گناه فرمان قرار گرفته است.^۳ فصل ۱۶ کتاب به طور کامل به گناهان اختصاص دارد؛ در ترتیب گناهان نامبرده در این فصل، گناه سروش‌چرنام پیش از فرمان قرار دارد.^۴ در هیچ یک از تقسیم‌بندی که برای درجات گناه در شایست ناشایست آمده، به گناه مرگ‌ارزان اشاره نشده است، اما در متن به طور پراکنده به گناهی که مرگ‌ارزان هستند، اشاره می‌شود.

در روایت آذرفرنبغ فرخزادان ۱۰ پایه برای گناه ذکر می‌شود که فرمان کمترین گناه است و بعد از آن ابسمگ^۵ و سروش‌چرنام قرار دارد و ترتیب بقیه مانند منابع بالا است، بجز آنکه به نظر می‌رسد، گناه تناپل و مرگ‌ارزان یکی شمرده شده است.^۶ در فصل ۲۵ از فرهنگ اویم/ایوک^۷ که به گناهان اختصاص دارد، علاوه بر اشاره به پایه‌های گناه به انواع دیگری از گناه اشاره شده است که گناه جادوسخنی^۸، ترساندن مردم^۹،

۱. داراب هرمزدیار، جلد ۲، صص ۳۰۱ و ۳۰۴.

۲. نک: مزداپور، کتیون، ص ۲؛ Davar, M. B., *šāyast lā-šāyast*, Bombay, 1912, p. 1.

۳. نک: همان، ص ۱۴۵؛

Kotwal, F. M. P. *The Supplementary Texts to the Šāyest nē-šāyest*, Copenhagen, 1969, p.1.

۴. نک: همان، ص ۲۲۲؛ *ibid.*, p.33.

5. abismag

۶. رضائی باغبیدی، حسن، روایت آذرفرنبغ فرخزادان، تهران، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴ش، ص ۵۷.

Anklesaria, B. T., *The Pahlavi Rivāyat of Āurfarnbag and Fanbag-Srōš*, Bobay, 1969, Vol. II, p.81.

۷. نک: گشتاسب، فرزانه، فرهنگ اویم/ایوک، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، آمادهٔ چاپ؛

Hoshangji Jamaspji and Haug, M., *A Old Zand-Pahlavi Glossary*, Bombay-London-Stuttgart, 1867, pp.32-39 .

تعقیب مردم برای گناهکاری^۳ از آن جمله است. در درجات گناه که در این متن آمده است، مرگ‌ارزان وجود ندارد.

در *زند نخرده اوستا*^۴ در پتیت پشیمانی، کرده دوم، پایین‌ترین درجه گناه سروش‌وچرنام و شدیدترین آن مرگ‌ارزان است. در کرده سوم به درجات گناهان و انواع آن اشاره شده که نسبت به *شایست ناشایست* تفصیل بیشتری دارد؛ در این متن نیز علاوه بر پایه‌هایی که در بالا اشاره شد، به گناهان دیگری چون *وئجخت*^۵ و *اندرزفرمان*^۶ اشاره شده است. در فرگردهای مختلف از *زند وندیداد* به گناهان مختلف و تاوان آنها اشاره شده است؛ برای مثال در فرگرد سوم (۳۶-۳۹) از گناه دفن کردن مرده و تاوان آن سخن گفته شده است.^۷ در فرگرد چهارم (۱۷-۴۳) از گناهان آگرفت، اویرشت، اردوش، خور و تانفور نام برده شده و به تاوان آنها اشاره شده است. در این فرگرد گناهان دیگری نیز توصیف می‌شود ولی به نام آنها اشاره نمی‌شود.^۸ در فرگرد ششم (۹) از گناه «فرمان را به تعویق انداختن»^۹ نام می‌برد.^{۱۰} در تمام *وندیداد* به پایه‌های گناه به شکلی که در منابع قبل ذکر شد، اشاره‌ای نمی‌شود.^{۱۱}

1. ādūg-gōwišnīhā

2. sahm-nimāyišnīh

3. xwēhišn

4. Dhabhar, B. N., *Zand-i Khūrtak Avestāk*, pp.64-70; Dhabhar, B. N., *Tranlation of Zand-i Khūrtak Avestāk*, Bombay, 1963, pp.104-106; Kanga, K. E., *Khordek Avestā Transliterated and Translated in English*, Bombay, 1993, pp.113-115.

۵. شاید *handraxt* در معنای «زیان رساندن به مردم».

۶. *handarz-framān* «بی‌توجهی به وصیت شخص در گذشته».

7. Jamasp, D. H., Vol. I, pp.87-90.

8. Ibid, pp.115-128.

9. framān spōxtan

10. Ibid, p.210.

۱۱. برای وندیداد همچنین نک: دارمستتر، جیمس، *مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد اوستا*، ترجمه موسی

جوان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۲ش؛ رضی، هاشم، *کتاب مغان وندیداد*، ۲ جلد، تهران، بهجت، ۱۳۸۵ش؛

Jamasp, D. H., Vol. I; Kanga, K. E., *The Pahlavi Vendidad*, Bombay, 1900.

۲.۱. انواع گناه

بر اساس متون فارسی میانه، گناه به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. همیمالان^۱، ۲. روانی^۲. گناه همیمالان که «خصمان» نیز نامیده می‌شود، گناهی است که نسبت به کس دیگری انجام می‌گرفت. ارتکاب این گناه پیگیری قانونی به دنبال داشت و مرتکب‌شونده این گناه به دادگاه ارجاع و از طریق قانونی مجازات می‌شد.^۳ بر اساس صد در نثر (در ۴۲) رهایی از این گناه از طریق بخشش و پرداخت تاوان ممکن می‌شد. اگر کسی در این دنیا فرصت جبران گناه همیمالی را پیدا نمی‌کرد، در آن دنیا در چینودپل او را نگه می‌داشتند تا همیمال او برسد و داد خود را بستاند؛ در آن صورت شخص گناهکار رهایی می‌یافت و می‌توانست از پل عبور کند.^۴

گناه روانی گناهی است که اثر آن به روان خود شخص باز می‌گردد نه به کس دیگر. مرتکب‌شونده این گناه مورد پیگیری قضایی قرار نمی‌گرفت ولی برای مجازات به موبدان و ردان ارجاع داده می‌شد.^۵ در فصل ۲۵ فرهنگ *اویم ایوک*، گناهایی که موجب آسیب به مردم شود «همیمالی» و دیگر گناهان، به طور کلی «روانی» خوانده شده است.^۶ سید حسن حسینی^۷ در مقاله‌ای مفصل پایه‌های گناهان و تاوان و توبه از آنها را با نگاهی منتقدانه بررسی کرده که در این میان به گناهان مرگ‌ارزان و مجازات آنها، مختصر، اشاره کرده است. پیش از او نیز مهشید میرفخرایی^۸ (۱۳۵۶) در مقاله‌ای به گناهان و تاوان

۱. hamēmālān از hamēmāl «حریف، معارض» + ān: نک: مکنزی، دیوید نیل، *فرهنگ کوچک زبان*

پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۸۵.

2. ruwānīg

3. Macuch, M., p.182.

4. Dhanhar, B. N., *Saddar Naṣr and Saddar Bundehešh*, p.33;

در *صد در بندهش* (در ۱۰۰) گناه همیمال یا خصمان بخصوص به گناه زنا گفته می‌شود (نک: *ibid.*, pp.170-171). بر طبق *صد در نثر* (در ۶۳) کسی که مرتکب این گناه می‌شود باید نزد شوهر آن زن برود و طلب بخشش کند و تاوان پردازد. تا زمانی که شوهر آن زن او را نبخشد، گناه بر ذمه زانی خواهد ماند (نک: *ibid.*, p.45).

5. Macuch, M., p.182.

6. Hoshangji Jamspi and Haug, M., pp.33-34.

۷. نک: حسینی، سید حسن، صص ۱۸۷-۲۲۴.

۸. نک: میرفخرایی، مهشید، «گناه و تاوان آن در نوشته‌های پهلوی»، صص ۱۲۵-۱۳۶.

آنها اشاره کرده است. بهترین منبع برای بررسی گناهان به خصوص گناه مرگ‌ارزان و تاوان آن، متون پهلوی است که در بالا به آنها اشاره شد که از میان آنها متونی که در زمینه فقه و حقوق نوشته شده، بیشتر به این موضوع پرداخته است.^۱ پژوهش درباره گناهان مرگ‌ارزان و روند دادرسی و مجازات آن، کاری است که برای اولین بار انجام می‌شود.

در این پژوهش گناه مرگ‌ارزان در متون فارسی میانه بررسی می‌شود. اینکه چه گناهانی مرگ‌ارزان محسوب می‌شد؟ مجازات فرد مرگ‌ارزان چه بود؟ و گناه او چه پی-آمدهایی برای او داشت؟ هدفی است که این پژوهش دنبال می‌کند. به این منظور ابتدا به گناهان مرگ‌ارزان بر اساس همیمالی و روانی اشاره می‌شود. سپس به مراحل دادرسی گناهکار و مجازات او از نظر حقوقی و دینی پرداخته می‌شود. و در آخر به اعمالی که فرد مرگ‌ارزان نباید انجام می‌داد و چگونگی نجات او اشاره شده است.

۲. گناهان مرگ‌ارزان

در برخی متون فارسی میانه به گناهانی که مجازات مرگ دارد، اشاره شده است. از این میان، در برخی مانند *روایت پهلوی (فصل ۴۱)*^۲ و *ارداویراف نامه (فصل ۵۵)*^۳ به

۱. برای آگاهی از این کتاب‌ها نک: تفضلی، احمد، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن، ۱۳۷۶ش، صص ۲۷۹-۲۸۸.

۲. در این فصل از *روایت پهلوی* چند گناه به عنوان گناه مرگ‌ارزان معرفی می‌شود:

اینکه: «گناه» مرگ‌ارزان چند گونه باشد؟ «گناه» مرگ‌ارزان بسیار گونه است، اما مشهورترین «آن»، این چند «گناه» است: مرد کشتن؛ جادوگری آموختن؛ نسا به آب و آتش بردن؛ از روی گناهکاری نسا خوردن؛ نسای سگ‌دید نشده راه، از روی گناهکاری، به تنهایی جنبانیدن، نسا را دفن کردن به ده سال؛ لواط «کردن» و راه داشتن (= دزدی کردن)؛ ستوری (= قیومت) شکستن؛ به طول یک سال زن کسان را ستاندن؛ آتش بهرام را کشتن (= خاموش کردن)؛ زندگی به شیوه بد / بد زندگی کردن؛ گواهی دروغ؛ آموزش دروغ؛ «کسی که دین خود را منکر» شود «و» کسی که سرود گاهان را نمی‌خواند (نیز نک: میرفخرایی، مهشید، *روایت پهلوی*، ص ۳۰۰، Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, (Bombay, 1913, pp.122-123).

۳. در این فصل، ارداویراف روان گناهکارانی را می‌بیند که پادافراه گوناگون، برف و سرما، گرمای سخت و ... را تحمل می‌کنند که علت آن گناهان مرگ‌ارزانی است که مرتکب شده‌اند. در این قسمت به ۶ گناه مرگ‌ارزان اشاره شده است: سروش اهلو و ایزد آذر گوید که: «این روان آن مردم دروندی است که در گیتی بسیار گناه

مجموعه‌ای از گناهان با عنوان مرگارزان، در یک بخش مستقل اشاره شده است.^۱ و در برخی از آنها مانند شایست ناشایست، مادیان هزار دادستان، نیرنگستان و روایت آذرفرنبغ فرخزادان به صورت پراکنده از گناهان مرگارزان نام برده شده است. در زیر به گناهان مرگارزان بر اساس همیمالی و روانی اشاره می‌شود.

۱.۲. گناهان همیمالی مرگارزان

ارتکاب به گناهان مرگارزانی که در زیر به آنها اشاره شده، موجب آسیب به طرف مقابل می‌شود، بدین جهت در گروه گناهان همیمالی قرار داده شده است.

۱.۱.۲. قتل

کشتن انسان یکی از گناهان مرگارزان است. در روایت پهلوی (۴۱) کشتن انسان اولین گناه مرگارزان شناخته شده است.^۲ در ارداویراف‌نامه کشتن انسان بی‌گناه پارسا، گناه مرگارزان محسوب می‌شود.^۳ در مینوی خرد (۳۵) کشتن مرد مقدس از بدترین گناهان شمرده شده^۴ ولی اشاره‌ای به مرگارزانی این گناه نشده است.

مرگارزان کردند، آتش بهرام را خاموش کردند و پل رودخانه ژرف را کردند دروغ و ناراست گفتند و گواهی دروغ بسیار دادند. به دلیل میل آنها به خرابکاری و آزوری و خست و شهوت و خشم و رشک، مردم اهلو بی‌گناه را کشتند و با فریفتاری بسیار رفتار کردند اکنون روان آنها باید آسیب و پادافراه چنین گرانی را تحمل کند». نک: آموزگار، ژاله، ارداویراف‌نامه (ارداویرازنامه)، چاپ دوم، تهران، انتشارات معین-انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۸۲ش، ص ۷۹؛

Jamasp Asa, D. K., *Arda viraf nameh*, Bombay, 1902, pp.49-50.

۱. همه این گناهان در یادداشت‌های ۴۳ - ۴۶ آورده شده است و برای جلوگیری از تکرار، از آوردن دوباره آنها برای هر گناه خودداری شد. در مورد هر گناهی که در این منابع آمده، علاوه بر متن، می‌توان به این یادداشت‌ها مراجعه کرد.

۲. نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۳۰۰؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p.122.

۳. نک: آموزگار، ژاله، ص ۷۹؛ Jamasp Asa, D. K., p. 50؛ برای صد در بندهش نک: Dhabhar, B.

N., *Saddar Naṣr and Saddar Bundelesh*, p. 108

۴. نک: تفضلی، احمد، مینوی خرد، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، توس، ۱۳۷۹ش، صص ۵۰-۵۱؛

در روایت آذرفرنبغ فرخزادان هر گاه مردی به زن آبستن خود ضربه وارد کند و موجب سقط جنین او بشود، مرگ‌ارزان است.^۱ در واقع سقط جنین را می‌توان قتل به شمار آورد.^۲

۲.۱.۲. گواهی دروغ

بر اساس روایت پهلوی (فصل ۴۱) و ارداویراف‌نامه (فصل ۵۵) دادن گواهی دروغ، گناه مرگ‌ارزان شمرده می‌شود.^۳

۳.۱.۲. دزدی کردن

«راه داشتن» به معنای دزدی کردن و همچنین زن دیگری را دزدیدن از گناهان مرگ‌ارزان است.^۴ بر اساس روایت پهلوی (۱۱/۱۱) هر گاه کسی زن دیگری را بدزدد، مرتکب گناه مرگ‌ارزان شده است و اگر زن به این دزدی خرسند باشد، او نیز مرگ‌ارزان می‌شود.^۵

Anklesaria, T. D., *Dânâk-u mainyô-I khrad*, Bombay, 1913, pp.103-104.

۱. رضائی باغبیدی، حسن، ص ۳۸؛ Anklesaria, B. T., p.70

۲. در صد در نثر (در ۶۳) سقط جنین از گناهان مرگ‌ارزان است. اگر مردی با زن غیر زردشتی زنا کند و آن زن باردار شود و زن، جنین را سقط کند، مرد مرگ‌ارزان می‌شود (نک: Dhabhar, B. N., *Saddar Naṣr* and *Saddar Bundeheš*, p. 44). علاوه بر این بر اساس صد در بندهش (در ۲/۳۷) و روایات داراب هرمزدیار خودکشی نیز گناه مرگ‌ارزان است (داراب هرمزدیار، ج ۲، ص ۴۵۰؛ *ibid.*, p.108).

۳. برای روایت پهلوی نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۳۰۰؛ Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, pp.122-123. برای ارداویراف‌نامه

← آموزگار، ژاله، ص ۷۹؛ Jamasp Asa, D. K..., p.50

۴. روایت پهلوی (۴۱) نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۳۰۰؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, pp.122-123.

۵. نک: همان، صص ۲۳۸ و ۳۰۰؛ *ibid.*, pp.35, 123

۴.۱.۲. عدم خویشکاری^۱ (= عدم انجام وظیفه)

هر یک از افراد جامعه زردشتی وظایف و تکالیفی داشت که عدم انجام برخی از آنها، گناه مرگ‌ارزان شمرده می‌شد. انجام ندادن وظایف خانوادگی، سربازی و هیربدی آسیب‌رسان تلقی می‌شد و در نتیجه ذیل بخش گناهان همیمالی آورده شد.

۴.۱.۲.۱. عدم انجام وظیفه هر یک از افراد خانواده

الف- عدم انجام وظیفه زن

یکی از وظایف زن شوهر کردن است، زنی که از این امر سرباز می‌زد، مرتکب گناه مرگ‌ارزان می‌شد.^۲ پس از ازدواج نیز وظیفه او تمکین و انجام وظایف همسری بود، عدم انجام وظایف او موجب مرگ‌ارزان می‌شد.^۳

زنی که با اجازه سرپرست خانواده به همسری مردی در می‌آمد، حق جدا شدن از شوهرش را نداشت، اگر از او جدا می‌شد، گناهکار بود و اگر جدایی او یک سال طول می‌کشید، مرگ‌ارزان بود. این حکم در مورد دختر ۹ ساله نیز صادق بود.^۴

ب- عدم انجام وظیفه دیگر اعضای خانواده

بر اساس روایت پهلوی (۳۴/پ-۵ تا ۷) اگر پسر، پدر و یا برده‌ای در انجام وظایف خود

1. a-xwēškārīh

۲. شایست ناشایست (۱۹/۱۰)، نک: مزدپور، کتابون، ص ۱۲۸؛ Davar, M. B., p.53. پس از ازدواج نیز وظیفه او تمکین از شوهر بود، عدم تمکین او نسبت به شوهر، مجازات مرگ‌ارزان به دنبال داشت. بر اساس صد در بندهش (۴/۳۴) در صورت عدم تمکین زن، شوهر می‌توانست نفقه او را ندهد و هیچ گناهی متوجه او نمی‌شد (Dhabhar, B. N., *Saddar Naṣr and Saddar Bundeheš*, p.102).

۳. روایت پهلوی (۳۴/پ-۴): نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۲۸۸؛ Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p.108. مطابق با صد در بندهش (در ۳/۳۴) اگر این عبارت را ۴ بار می‌گفت، مرگ‌ارزان می‌شد (Dhabhar, B. N., *Saddar Naṣr and Saddar Bundeheš*, p.102).

۴. روایت آذرفرنبغ فرخزادان (۱۶ و ۱۶)، نک: رضایی باغبیدی، حسن، صص ۱۱ و ۱۳؛ Anklesaria, B. T., pp.328-329, 330

کوتاهی می‌کرد یا از آن سر باز می‌زد، مرتکب گناه مرگ‌ارزان می‌شد.^۱

۲.۴.۱.۲. عدم سالاری و ستوری خانواده

کسی که سالار خانواده تعیین می‌شد باید آن را انجام می‌داد. اگر به مدت یک سال از این کار سر باز می‌زد گناه او مرگ‌ارزان بود.^۲ از وظایف سالار حمایت و حفاظت از کسانی بود که سرپرست آنهاست. بر اساس روایت آذرفرنبغ فرخزادان (پاسخ ۱۴۰) زنی که سالاری کودکی را به عهده می‌گرفت، اگر در مراقبت از او کوتاهی می‌کرد و موجب آسیب به او می‌شد، مرگ‌ارزان بود.^۳

اهمیت سالاری چنان بود که اگر فردی بدون پادشازن^۴، فرزند یا پسرخوانده می‌مرد، خواهر او باید ایوکی^۵ او می‌شد و اگر خواهر او پادشازن کس دیگری بود، باید از پادشازنی شوهرش خارج و ایوکی برادر می‌شد. اگر شوهر، زن را برای ایوکی نمی‌داد،

۱. نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۲۸۸؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p.108.

۲. روایت امید اشوهیشتان (پاسخ ۱۹/۵ و ۲۱)، نک: صفای اصفهانی، زهت، روایت امید اشوهیشتان متعلق به قرن چهارم هجری، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶ش، ص ۳۱؛

Anklesaria, T. D., *Rivāyat-i Hēmit-i Ašawahištan*, Bombay, 1962, pp.18-19.

3. Anklesaria, B. T., p.116.

۴. پادشازنی، شکل قانونی و طبیعی ازدواج بود که در طی آن سالاری دختر از سوی پدر به داماد سپرده می‌شد. در این نوع از ازدواج، دختر با اجازه پدر به همسری مردی در می‌آمد و فرزندان عروس، نام پدر خود و دودمان وی را بر خود داشتند. در پادشازنی، دختر جهیزیه‌ای را با خود به خانواده شوهر می‌برد که همواره در خانه شوهر باقی می‌ماند. در این نوع ازدواج، داماد مکلف بود فرزندان حاصل از این نوع ازدواج را به عنوان پادشازن خود بپذیرد و معاش عروس و فرزندان خود را فراهم کند (مزداپور، ۱۳۸۹: ۱۵).

۵. هر گاه سالار خانواده می‌مرد و پسری نداشت که جانشین او شود، اگر بیوه، دختر یا خواهری داشت، او را به عنوان ایوکی یا بازمانده برمی‌گزیدند. وظیفه او زادن پسری برای سالار خانواده بود. این پسر پس از رسیدن به سن پانزده سالگی، سالار دوده می‌شد. ایوکی نمی‌توانست وارد ازدواج پادشایی شود و اگر پادشازن مردی بود باید از آن خارج می‌شد و وارد ازدواج چکری می‌شد. فرزندان ایوکی، پادشازن پدر یا برادر متوفای او و فرزند چکر پدر خونی خود می‌شدند (برای آگاهی بیشتر نک: مزداپور، ۱۳۸۹: ۱۷-۲۱؛ Shaki, 1987: 149).

مرتکب گناه شده، پس از یک سال، مرگ‌ارزان می‌شد.^۱ کسی نمی‌توانست چکرزن^۲ را به مقام پادشازنی برساند^۳ و پادشازنی را به کسی دهد^۴ و این هر دو گناهی بود که اگر یک سال به طول می‌انجامید، فرد مرگ‌ارزان می‌شد، ولی در مورد ایوکینی، شوهر باید زن خود را از پادشازنی خود خارج می‌کرد تا ایوکین برادرش شود.

هر گاه کسی که ستوری بر عهده می‌گرفت، ولی آن را انجام نمی‌داد و یا مالی که برای ستوری اختصاص داده شده بود را حتی به اندازه یک درهم تباه می‌کرد و تا یک سال آن را جبران نمی‌کرد، مرگ‌ارزان بود.^۵ در *مادیان هزار دادستان* (۱۲/۸۲-۱۴) درباره ستوری نکردن آمده است:

اگر به مردی گوید که «ستوری من کن (= بپذیر)»، آنگاه دارایی [به ارزش] ۸۰ [درهم] برای ستوری به او داده می‌شود و اگر آن [دارایی را] بپذیرد مجاز نیست [از انجام وظیفه ستوری] باز ایستد (= تعلل کند). آن کسی که [در انجام وظیفه ستوری خود] به طول یک سال [پس از پذیرش ستوری] باز ایستد مرگ‌ارزان است (= مستوجب مرگ می‌شود).^۶

۱. روایت امید اشوهیشتان (۵/۱)، نک: صفای اصفهانی، زهت، ص ۷؛

Anklesaria, T. D., *Rivāyat-i Hēmit-i Ašawahištan*, pp.4-5.

۲. چکرزنی نوع دیگری از ازدواج است که در آن بیوه مردی که فرزند و جانشینی نداشت وارد ازدواج دیگری می‌شد تا برای شوهر درگذشته خود فرزند پسری به دنیا آورد. زن، شوهر، پسر و دختر حاصل از این نوع ازدواج، چکر نامیده می‌شد (Shaki, 1990: 647). همچنین اگر دختر خانواده در پادشازنی مردی بود، در صورتی که پدر یا برادر او بدون بیوه و فرزندی می‌مرد، ازدواج او به صورت قانونی باطل می‌شد. دختر باید از پادشازنی خارج و به منظور به دنیا آوردن فرزند پسری برای پدر یا برادر خود وارد ازدواج چکری می‌شد؛ برای این کار می‌توانست ازدواج چکری را با همسر خود انجام دهد ولی شوهر، پسر و دختر او عنوان چکر داشتند. در چنین شرایطی و بنابر مصالح خانواده چنین دختری وارد ازدواج چکری می‌شد (مزداپور، ۱۳۸۹ش، ص ۱۷).

۳. نک: همان، ص ۱۹۱؛ *ibid*, p.111

۴. روایت آذر فرنیغ فرخزادان (پاسخ ۲۸)، نک: رضایی باغبیدی، حسن، ص ۲۴؛

Anklesaria, T. D., p.61.

۵. روایت آذر فرنیغ فرخزادان (پاسخ ۱۴۲)، نک: همان، ص ۱۲۱؛ *ibid*., p.118

6. Modi, J. J., *Mâdigân-i-HazârDâdîstân*. Part I. Poona, 1901, p.82; Perikhanian, A., *The Book of a Thousand Judgements (a sasanian Law-Book)*.tr. Nina Garsoïan. New York, 1997, pp.196-197.

۳.۴.۱.۲. عدم حراست از کشور

اگر کشور مورد هجوم دشمنان قرار می‌گرفت، سربازان کشور موظف به حراست از آن بودند، هر گاه سربازی از این وظیفه کوتاهی می‌کرد مرگ‌ارزان می‌شد.^۱

۴.۴.۱.۲. عدم انجام وظایف موبدی

همانطور که وظیفه ارتشتار پاسبانی از کشور بود و عدم انجام این وظیفه و گریختن از مقابل دشمن گناه مرگ‌ارزان محسوب می‌شد، هر گاه هیربدی وظایف دینی خود را رها می‌کرد و به میدان جنگ می‌رفت مرتکب گناه مرگ‌ارزان می‌شد.

۵.۱.۲. افشای راز

هر گاه فرد مرگ‌ارزان نزد رَدی به گناه خود اعتراف می‌کرد، و رد راز او را افشا می‌کرد، گناه بسیار بر ذمه او بود و مرتکب گناه مرگ‌ارزان می‌شد.^۲

۶.۱.۲. کمک نکردن به فقرا

بر اساس روایت پهلوی (۳/۳۹/ب) کسی که توانایی کمک کردن به فقرا را داشت ولی از این کار خودداری می‌کرد، مرتکب گناه مرگ‌ارزان می‌شد.^۳

۷.۱.۲. خراب کردن پل

به این گناه مرگ‌ارزان، تنها در ارداویراف‌نامه (۵-۳/۵۵) اشاره شده است. ... این روان آن مردم دروندی است که در گیتی بسیار گناه مرگ‌ارزان کردند، ... و پل رودخانه ژرف را کندند...^۱

۱. روایت پهلوی (۱۰/۱۷) نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۲۵۲؛ Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p. 54

۲. شایست ناشایست (۹/۸)؛ نک: مزداپور، کنایون، صص ۹۷-۹۸؛ Davar, M. B., p.39

روایت پهلوی (۵/۱۵) نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۲۴۷؛ Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p. 46
۳. نک: همان، ص ۲۹۹؛ *ibid.*, p.121

۲.۲. گناهان روانی مرگ‌ارزان

با توجه به اینکه آسیب این نوع گناه به روان خود شخص برمی‌گردد، گناهان مرگ‌ارزان زیر در این گروه قرار داده شد.

۱.۲.۲. گرویدن به دین دیگر

مطابق با روایت پهلوی (۲/۷) هر گاه کسی از دین خود به دین دیگری در می‌آمد مرتکب گناه مرگ‌ارزان می‌شد.^۲ در *دادستان دینی* (۲/۴۰) این حکم درباره برنا (= جوان) آمده است.^۳ در *نیرنگستان* (۳، ۴/۲۳) کسی که از دین خود به دین دیگری بگردد، مرتکب گناه تناپل شده و اگر یک سال در بددینی خود می‌ماند مرگ‌ارزان می‌شد.^۴ در *روایت امید شوهیشتان* (پاسخ ۲/۴) نیز مانند این حکم آمده است^۵ و در فصلی دیگر (۲/۴۲ و ۴) توضیح می‌دهد، اگر فرزندی از مرد بهدین و زن بددین زاده شود و تا ۱۵ سالگی در بددینی خود باقی بماند پدرش مرگ‌ارزان است.^۶ در *هیربدستان* (۴/۱۲) این حکم سختگیرانه‌تر آمده که اگر کودکی تا ۱۵ سالگی در دین بد می‌ماند هم خودش و هم پدرش مرگ‌ارزان بودند^۷ و در ادامه آمده زنی که به دین بهی بگردد، اگر یک سال از بهدینی او نگذشته باشد و بمیرد، مرگ‌ارزان محسوب می‌شود و مراسم مربوط به درگذشته نباید برای او انجام شود.^۸

۱. آموزگار، ژاله، ص ۷۹؛ Jamsasp Asa, J., p.50.

۲. نیز نک: میرفخرایی، مهشید، *روایت پهلوی*، ص ۲۱۸؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p.8.

3. Jaafari-Dehaghi, M., *Dātestān ī Dēnīg (Part 1 Transcription, Translation and Commentary)*, Paris, 1998, pp.232-233.

4. Kotwal, F. M. and Kreyebroek, P. G. (ed.), *The Hērbedestān and Nērangestān, Vol III, Nērangestān, Fragard 2*, Paris, 2003, p.30.

۵. نک: صفای اصفهانی، زهت، ص ۱۷؛

Anklesaria, T. D., *Rivāyat-i Hēmit-i Ašawahištan*, pp.9-10.

۶. نیز نک: همان، ص ۲۶۱؛ *ibid.*, pp.158-159.

7. → Kotwal, F. M. and Kreyebroek, P. G. (ed.), *The Hērbedestān and Nērangestān, Vol I, Hērbedestān*, Paris, 1992, p.64.

8. → *ibid.*, p.64.

۲.۲.۲. دروغ

دروغ‌گویی، آموزش دروغ، از گناهان مرگ‌ارزان محسوب می‌شد. در روایت پهلوی (۴۱)^۱ و ارداویراف (فصل ۵۵)^۲ این موضوع تصریح شده است.

۳.۲.۲. جادوگری آموختن

جادوگری آموختن در روایت پهلوی (۴۱) یکی از گناهان مرگ‌ارزان است.^۳

۴.۲.۲. لواط

در روایت پهلوی (فصل ۴۱) با اصطلاح kün-marz آمده و از گناهان مرگ‌ارزان است.^۴

۵.۲.۲. گناهانی که در رابطه با نسا (= جسد) انجام می‌گیرد

نسا یا نسو، لاشه و مردار و هر چیز گندیده است. دیو نسو نیز دیو لاشه و مردار است. در آیین مزدیسنی، دست زدن به نسا و نزدیک شدن به آن از گناهان بزرگ شمرده می‌شود. بر اساس بندهش «نس دیو آن است که ریمنی و ناپاکی کند که او را نسای خوانند».^۵ بر اساس متون پهلوی به دلیل ناپاکی بسیار نسا، انجام برخی اعمال موجب گناه مرگ‌ارزان می‌شود که عبارتند از:

۱. نیز نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۳۰۰؛ Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat* Accompanying the *Dādestān ī dēnīg*, pp.122-123 و یادداشت ۴۲.
 ۲. نک: آموزگار، ژاله، ص ۷۹؛ Jaspas, J. p.50 و یادداشت ۴۳.
 ۳. نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۳۰۰؛ Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat* Accompanying the *Dādestān ī dēnīg*, pp.122-123.
 ۴. نک: همان، ص ۳۰۰؛ *ibid.*, pp.122-123.
- در صد در نشر (در نهم) با عنوان غلام‌بارگی و مواجری کردن و در صد در بندهش (در ۳۷) با عنوان غلام‌بارگی آمده و گناه مرگ‌ارزان است (Dhabhar, B. N., *Saddar Naṣr and Saddar* (Bundehešh, pp.8, 108). غلام‌بارگی به معنای شهوترانی با پسر بچه است (نک: معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، جلد ۳، ذیل واژه) و مواجری کردن به معنای صفت و حالت مواجر، مفعولیت است.
۵. عقیفی، رحیم، اساطیر و فرهنگ ایران، چاپ دوم، تهران، توس، ۱۳۸۲ش، ص ۶۳۲.

۱.۵.۲.۲. انداختن نسا در آب یا آتش

بر اساس *شایست ناشایست* (۷۶/۲) «افکندن نسا در آب» گناه مرگ‌ارزان محسوب می‌شود^۱ و اگر نسایی در آب باشد، کسی که آن را می‌بیند، باید آن را از آب خارج کند، اگر این کار را انجام ندهد مرتکب گناه مرگ‌ارزان شده است.^۲ نسایی که از آب خارج می‌شود باید به اندازه کافی از آب فاصله داشته باشد، زیرا اگر آبی که از نسا روان می‌شود دوباره به آب برسد، موجب گناه مرگ‌ارزان می‌شود.^۳ قرار دادن نسا در زیر باران موجب آلودگی آب است و انجام این کار نیز گناه مرگ‌ارزان محسوب می‌شود.^۴ اگر مرده‌ای در آب چاهی بیفتد و در آب متلاشی شده باشد، باید از خوردن آن امتناع کرد زیرا خوردن آب آن چاه، موجب گناه مرگ‌ارزان می‌شود.^۵

در *شایست ناشایست* (۴۰/۲) در مورد «رسیدن گرمای آتش به نسا» اشاره شده که گناه مرگ‌ارزان محسوب می‌شود.^۶

۲.۵.۲.۲. سگ‌دید نکردن نسا

سگ‌دید کردن نسا، مراسمی است که در طی آن تن مرده را در معرض دید سگ قرار می‌دادند. احتمالاً چنین تصور می‌شد که سگ که دورکننده دزد و گرگ است، قادر به راندن

۱. نک: مزداپور، کتایون، ص ۲۹؛ Davar, M. B., p. 14.

۲. نک: همان ص ۳۰؛ *ibid.*, p.14. مزداپور در بندهای بعد (۸۲-۹۵) از زبان مفسران دیگر به این موضوع تأکید می‌کند و همچنین به روش‌های بیرون کشیدن نسا از آب در شرایط متفاوتی چون پوسیدگی نسا و ... اشاره می‌کند (نک: همان، صص ۳۱-۳۵؛ *ibid.*, pp.14-17).

۳. نک: همان، صص ۳۱-۳۲؛ *ibid.*, p.15.

۴. همان، ص ۱۰؛ *ibid.*, p.3.

۵. روایت آذرفرینغ فرخزادان (پاسخ ۱۰۴)، نک: رضائی باغبیدی، حسن، ص ۹۲؛

Anklesaria, B. T., p.100.

۶. نک: مزداپور، کتایون، ص ۱۹؛ Davar, M. B., p.8.

بر اساس *صد در بندهش* (در ۱۹/۱۳ و در ۲/۳۷)، هر گاه کسی نسا را در آب یا آتش بیفکند مرتکب گناه مرگ‌ارزان شده است. *Dhabhar, B. N., Saddar Naṣr and Saddar Bundeheš, pp.82, 108.* همچنین در *روایات داراب* هرمزدیار رساندن نسا به آتش و آب گناه مرگ‌ارزان محسوب می‌شود. نک: داراب هرمزدیار، ج ۲، ص ۴۵۰.

دیو نسوش نیز هست. البته از نظر طبیعی و پزشکی رسم سگ‌دید کردن برای آن بوده که سگ در شناخت مرگ تواناست و می‌تواند بیهوشی را از مرگ تشخیص دهد و در دوره‌هایی که این رسم انجام می‌شده از این توانایی سگ بهره می‌بردند.^۱ در بندهش آمده «از آفریدگان مادی، سگ، نگهبان و از میان‌برنده دروج و درد است و با چشم همه ناپاکی‌ها را از میان می‌برد».^۲

در *شایست ناشایست* (۸۵/۲) آمده، اگر قبل از سگ‌دید کردن، نسا از روی زمین برداشته شود، این کار گناه مرگ‌ارزان محسوب می‌شود.^۳ بر اساس این حکم، به نظر می‌رسد، عمل جنباندن نسا پیش از سگ‌دید کردن او گناه مرگ‌ارزان شمرده می‌شود ولی در متون فارسی زردشتی، سگ‌دید نکردن نسا حکم مرگ‌ارزان دارد.^۴

۳.۵.۲.۲. حمل نسا به تنهایی

در *شایست ناشایست* (۶۳/۲)، حمل نسا به تنهایی، گناه مرگ‌ارزان شمرده می‌شود.^۵ در جای دیگر از همین متن (۸۵/۲) آمده، هر گاه نسایی از آب بیرون آورده شود، باید آن را سگ‌دید کرد و با دو مرد حمل کرد که نشان می‌دهد حمل جسد به وسیله یک نفر نباید انجام می‌شد.^۶

۴.۵.۲.۲. دفن نسا

در *روایت آذرفرنبغ فرخزادان* (پاسخ ۱۴۲) دفن کردن مرده گناه مرگ‌ارزان بود.^۷

۱. مزداپور، کتایون، ص ۴۳.

۲. بهار، مهرداد، بندهش، تهران، توس، ۱۳۸۰ش، ص ۱۰۳؛ نیز نک: دستنویس ت. د. ۲، بندهش ایرانی، *روایات امید اشوهیشتان و جز آن*، به کوشش ماهیار نوابی، محمود طاووسی، منوچهر جی جاماسب آسانا، انتشارات موسسه آسیایی دانشگاه پهلوی شیراز، ۱۳۵۷ش، ص ۱۵۷.

۳. نک: مزداپور، کتایون، ص ۲۵؛ Davar, M. B., p.11.

۴. صد در نشر (در ۷/۷۰): Dhabhar, B. N., *Saddar Naṣr and Saddar Bundeheš*, p.50.

۵. نک: مزداپور، کتایون، ص ۲۵؛ Davar, M. B., p.11.

۶. نک: همان، ص ۳۲؛ *ibid*, p.15.

۷. رضائی باغبیدی، حسن، ص ۱۲۱؛ Anklesaria, B. T., p.118.

۶.۲.۲. گناه نسبت به آتش

بر اساس متون پهلوی خاموش کردن آتش به طور کلی گناه محسوب می‌شد ولی خاموش کردن آتش بهرام به طور قطع گناه مرگ‌ارزان بود. در روایت پهلوی (۱۸/ث/۴ و ۵) به درجه این گناه اشاره شده است.^۱ در ارداویراف‌نامه (۳/۵۵ و ۵) نیز تصریح شده، خاموش کردن آتش بهرام گناه مرگ‌ارزان است و پادافراه اخروی آن بسیار گران است.^۲ یکی دیگر از گناهانی که در رابطه با آتش آمده سوزاندن اعضای بدن است. بنابر روایت پهلوی (۳۷/الف/۱۲) هر گاه کسی اندامی از بدن خود را بسوزاند به گونه‌ای که موی او در آتش بیفتد، مرگ‌ارزان می‌شود.^۳ بر اساس روایت آذرفرنبغ فرخزادان (پاسخ ۱۴۰)، مادری که با مراقبت نکردن از فرزند خود، موجب سوختن او و آلودگی آتش می‌شود، گناه مرگ‌ارزان مرتکب شده است.^۴

۷.۲.۲. فریفتاری^۵

فریفتار به معنای «فریبکار؛ فریب‌خورده»^۶ است. با توجه به معنای واژه، شاید بتوان گفت هم کسی که فریب می‌دهد و هم کسی که فریب می‌خورد مرتکب گناه مرگ‌ارزان شده است. این گناه فقط در ارداویراف‌نامه (۵-۴/۵۵) گناه مرگ‌ارزان شمرده شده است.^۷

۱. نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۲۵۸؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p.63.

۲. نک: آموزگار، ژاله، ص ۷۹؛ Jamasp Asa, D. K., p.50.

در صد در بندهش (در ۱۹)، خاموش کردن آتش بهرام، از روی عمد یا بدون عمد گناه مرگ‌ارزان است که مجازات آن دوزخ است. Dhabhar, B. N., *Saddar Naṣr and Saddar Bundeheš*, p.85.

۳. نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۲۹۵؛ Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p. 116-117.

۴. نک: رضائی باغبیدی، حسن، ص ۱۱۶؛ Anklesaria, B. T., p.116.

5. frēftārīh

۶. مکنزی، دیوید نیل، ص ۷۵.

۷. نک: آموزگار، ژاله، ص ۷۹؛ Jamasp Asa, D. K., p.50.

۳. مجازات فرد مرگ‌ارزان

مجازات فرد مرگ‌ارزان در متون فارسی میانه به دو صورت دنیوی و اخروی مطرح می‌شود.

۱.۳. مجازات دنیوی

روشن است که فرد مرگ‌ارزان، محکوم به مرگ بود^۱ ولی پیش از اجرای حکم باید مراحل را سپری می‌کرد. با توجه به آنچه در متون فارسی میانه آمده، روند اجرای مجازات را می‌توان از نظر حقوقی و دینی بررسی کرد.

۱.۱.۳. روند حقوقی مجازات

مادیان هزار دادستان تنها متن فارسی میانه است که مسائل مطرح شده در آن اغلب از منظر حقوقی بررسی می‌شود و جنبه دینی آن کمتر در نظر گرفته شده است.^۲ برطبق این متن فرد متهم از اثبات جرم تا اجرای مجازات مراحل زیر را باید بگذراند.

۱.۱.۱.۳. زندان

ابتدا فرد مرگ‌ارزان به زندان افکنده می‌شد^۳ ولی مسلم است که زندان مجازات نبوده، بلکه به نظر می‌رسد، متهم تا برگزاری مراحل دادرسی به زندان افکنده می‌شد.

۲.۱.۱.۳. آزمایش ور

در مرحله بعد گناهکار مورد آزمایش ور قرار می‌گرفت. این آزمایش وقتی صورت می‌-

۱. در صد در بندهش (در ۸/۳۴) در تعریف فرد مرگ‌ارزان، مجازات مرگ او روشن می‌شود: مرگ‌ارزان آنست

که او را زنده نگذارند. Dhabhar, B. N., *Saddar Naṣr and Saddar Bundeheš*, p.81.

۲. برای آشنایی با این متن نک:

Macuch, M., "Mādāyān ī Hazār Dādestān", *Encyclopædia Iranica*, 2005. <http://www.iranicaonline.org/articles/madayan-i-hazar-dadestan>

۳. مادیان هزار دادستان انکلساریا: ۱۳/۲۸-۱۴ نک: عریان، سعید، مادیان هزار دادستان (هزار رای حقوقی)،

تهران، انتشارات علمی، ۱۳۹۱ش، ص ۳۴۰؛

Perikhanian, A., *The Book of a Thousand Judgements (a sasanian Law-Book)*.tr. Nina Garsoïan. New York, 1997, pp.298-299 .

گرفت که شخص گناه خود را نمی‌پذیرفت^۱ ولی در این متن آمده، «به سبب گناه مرگ‌ارزان ملزم به آزمایش ور شد»^۲ و هیچ اشاره‌ای به نپذیرفتن گناه نشده است.

۳.۱.۱.۳. اعتراف به گناه

در *مادیان هزار دادستان* (۶-۲/۹۲) دو حکم دربارهٔ اعتراف به گناه در مورد فرد مرگ‌ارزان آمده: اول، اگر او به خواست خود نزد قاضی می‌رفت و به گناه خود اعتراف می‌کرد، مجازات مرگ از او رفع می‌شد دوم، اگر به اجبار می‌رفت و اعتراف می‌کرد به مرگ محکوم می‌شد.^۳ شاید از طریق این نمونه نتوان با قطعیت گفت که فرد گناهکار باید به گناه خود اعتراف می‌کرد و اعتراف یکی از مراحل دادرسی بوده است ولی به نظر می‌رسد این کار در ادامهٔ دادرسی و تصمیم قاضی مهم بوده است.

۱. آزمایش ور، مراسمی بوده که در طی آن فرد مجرم از متهم بازشناخته می‌شده است. اگر فردی به گناهی متهم می‌شد ولی گناه خود را نمی‌پذیرفت باید مورد آزمایش قرار می‌گرفت. آزمایش ور به دو صورت سرد و گرم بوده که در نوع سرد دو طرف دعوا سر خود را زیر آب فرو می‌کردند، کسی که زودتر سر خود را از زیر آب بیرون می‌آورد گناهکار محسوب می‌شد. در نوع ور گرم برای مثال فرد گناهکار از میان آتش می‌گذشت یا فلز روی گذاخته بر روی سینهٔ او می‌ریختند، اگر فرد نمی‌سوخت بی‌گناهی او ثابت می‌شد (یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر ایران و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹ش، صص ۴۳۵-۴۳۷). در رشن یشت به پنج نوع ور اشاره شده است: ور آتش، برس، مایع سرشار، روغن و شیرۀ گیاه. چگونگی این آزمایش‌ها معلوم نیست، شاید ور آتش گذشتن از آتش، ور مایع سرشار، رفتن به زیر آب، ور روغن، ریختن روغن داغ بر روی بدن و ور شیرۀ گیاه، خوردن شیرۀ سمی گیاه باشد. در دینکرد هشتم آمده که در سکاتوم نسک فصلی بوده که در آن به اقسام ورها اشاره شده بود. در آفرین گهنبار به ور گرم اشاره شده است. در *شایست ناشایست* (۱۷/۱۳) به شش نوع ور گرم اشاره شده است (پورداد، ابراهیم، یشتها، جلد اول، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، صص ۵۶۷-۵۷۱؛ مزدپور، کتیون، صص ۱۸۳ و ۲۰۰ یادداشت ۳۰). در *مادیان هزار دادستان* ور علاوه بر معنای «آزمایش» به معنای «سوگند خوردن» نیز است. Perikhanian, A., p.393.

۲. *مادیان هزار دادستان* (۱۳/۹۷): Modi, J. J., p.97؛ Perikhanian, A., pp.222-223؛ *مادیان هزار دادستان* انکلساریا: ۹/۳۵-۴۱۰.

Anklesaria, T. D., *The Social code of the Parsees in Sasanian Times or the Madigân-i-HazârDâdistân*, Part II, With an intro. By J. J. Modi, Bobay, 1912, p.35; Perikhanian, A., pp.312-313.
3. Modi, J. J., p.92; Perikhanian, A., pp.212-213.

۴.۱.۱.۳. مصادره اموال

دارایی فرد مرگ‌ارزان مصادره می‌شد و حتی زن و فرزندش نیز از او گرفته می‌شد و به نظر می‌رسد، این مرحله پس اثبات گناهکاری فرد باشد.

اگر [فردی] به سبب [گناه] مرگ‌ارزان محکوم شد آنگاه دارایی که او راست باید از او گرفته شود^۱ (= مصادره شود) کسی بود که گفت که روزی زن و فرزند[ش] باید از [دارایی] او تأمین شود اما بر اساس قانون [این کار را] نمی‌کنند زیرا چنانچه [کسی] مرگ-ارزان شد پس زن و فرزند و دارایی از او گرفته می‌شود.^۲

۵.۱.۱.۳. پرداخت تاوان گناه

پرداخت تاوان گناه یکی از راه‌های جبران گناه بود. کسی که گناهی را مرتکب می‌شد، باید تاوان آن را پرداخت می‌کرد. تاوان هر گناه متناسب با آن بود و به صورت ارز و پول و در روزگار کهن‌تر با جانوران اهلی محاسبه و پرداخت می‌شد.^۳ بر اساس شایسته‌نمایش (۱۳/۸) این تاوان از جانب رد دینی تعیین می‌شد و گناهکار ملزم بود آنچه را که او تعیین می‌کرد، پرداخت کند.^۴ در حکمی که در *مادیان هزار دادستان* (۳-۲/۳۱) آمده، گناهکار باید تاوان گناه خود را پیش از اجرای حکم، پرداخت می‌کرد و حق نداشت آن را به تأخیر بیندازد.^۵

۱. بر اساس احکامی که در *مادیان هزار دادستان* (۱۴-۱۳/۹۸) آمده است مال مصادره‌شده لزوماً به فردی که در مورد او گناه صورت گرفته نمی‌رسید: جایی نوشته شده است که چنانچه [کسی گناه] مرگ‌ارزانی مرتکب شود، دارایی که در آن زمان بیرون از [اختیار] او [بوده و] در اختیار فرد بی‌گناهی قرار داشته، به [نفع] آن [کسی] که [در آن زمان آن را] در اختیار داشته، گرفته می‌شود (= مصادره می‌شود). و همان ۱۷/۹۸:

... و سپس [گناه] مرگ‌ارزان مرتکب شد، ... [به سبب ارتکاب گناه مرگ‌ارزان دارایی او] ... به آن کسی که [گناه] مرگ‌ارزان در [رابطه با او] انجام شده است، نمی‌رسد. برای هر دو مورد نک: Perikhanian, A., pp.224-225

۲. *مادیان هزار دادستان* (۱۵/۹۷-۱/۹۸); Perikhanian, A., pp.222-223

۳. مزداپور، کتابیون، ص ۳.

۴. نک: مزداپور، کتابیون، صص ۹۹-۱۰۰؛ Davar, M. B., p.41

5. → Perikhanian, A., pp.90-91.

۶.۱.۱.۳. پرداخت هزینه دادرسی

هزینه دادرسی فرد مرگ‌ارزان ۹۵ درهم بود و این هزینه باید قبل از مجازات او پرداخت می‌شد. هزینه دادرسی بر اساس نوع دادرسی متفاوت بوده و شاید برای برخی هزینه بیشتری نیز گرفته می‌شد ولی در مورد گناه مرگ‌ارزان این هزینه همواره ۹۵ درهم بوده است.^۱

۷.۱.۱.۳. مجازات گناهکار

پس از مجرم شناخته شدن فرد مرگ‌ارزان، وی مجازات می‌شد. این مجازات در *مادیان هزار دادستان* (۱۷/۱۴) «بریدن سر» است.^۲

۲.۱.۳. روند دینی مجازات

مراحل دادرسی و رسیدگی به مجازات فرد مرگ‌ارزان در متون پهلوی مانند *روایت پهلوی*، *شایست ناشایست* و *نیرنگستان* که مسائل حقوقی و دینی با هم آمیخته شده است، به گونه‌ای دیگر بود که در ادامه آورده می‌شود.

۱.۲.۱.۳. اعتراف به گناه

بر اساس *شایست ناشایست* (۲/۸)، فرد مرگ‌ارزان باید در نزد رَدان به گناه خود اعتراف می‌کرد.^۳

۲.۲.۱.۳. تن و خواسته به رَدان سپردن

در *شایست ناشایست* (۵/۸) آمده فرد مرگ‌ارزان باید خود را برای مجازات به رَدان تسلیم می‌کرد و دارایی خود را به آنان می‌سپرد.^۱ در همین متن (۲/۸) تصریح می‌شود که فرد گناهکار باید خود را فقط به رَدان تسلیم کند.^۲

۱. *مادیان هزار دادستان* انکلساریا (۲/۱۶-۳) نک: Perikhanian, A., pp.274-275

2. → Perikhanian, A., pp.56-57.

۳. نک: مزدپور، کتابون، ص ۹۵؛ Davar, M. B., p.37

۳.۲.۱.۳. توبه در نزد ردان

یکی از کارهایی که فرد مرگ‌ارزان باید انجام می‌داد، توبه کردن بود. در واقع اولین گناهی که فرد باید از آن توبه می‌کرد گناه مرگ‌ارزان بود^۳ و به طور کلی توبه از این گناه بسیار اهمیت داشت^۴ و موجب نجات او از دوزخ می‌شد ← ۳-۲-۳.

۴.۲.۱.۳. مجازات گناهکار

در متن‌های دینی پهلوی نیز مجازات فرد مرگ‌ارزان، مرگ است. حکم مجرم بودن او باید از سوی روحانیون اعلام می‌شد. در روایت *آذرفرنبغ فرخزادان* (پاسخ ۱۴۲) آمده «آنگاه مرگ‌ارزان است که پوریوتکیشان مرگ‌ارزان معین کردند»^۵. در روایت *پهلوی* (۱۵/الف/۵)^۶ و در *نیرنگستان* (۳/۳۶)^۷ مجازات چنین گناهی، «بریدن سر» است.^۸ گناه مرگ‌ارزان و تناپل بر ذمه کودکی که مرتکب این گناهان می‌شد، نبود^۹ و بنابراین مجازات مرگ برای آنها به دنبال نداشت.

۲.۳. مجازات اخروی

علاوه بر بریدن سر به صورت اخروی، پادافره گران سه‌شبهه، دوزخ، سرما و گرما و جای تاریک و بازداشتن روان از پل چینود از مجازات اخروی فرد مرگ‌ارزان است.

۱. نک: همان، ص ۹۶؛ *ibid.*, p.38.

۲. نک: همان، ص ۹۵؛ *ibid.*, p.38.

۳. روایت *پهلوی* (۲/۱۵) نک: میرفخرایی، مهشید، روایت *پهلوی*، ص ۲۴۶؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p.45.

۴. *شایست ناشایست* (۱۳/۸) نک: مزدایور، کتابیون، صص ۹۶ و ۹۹؛ Davar, M. B., pp.38, 40.

۵. رضایی باغبیدی، حسن، ص ۱۲۱؛ Anklesaria, B. T., p.119.

۶. نک: میرفخرایی، مهشید، روایت *پهلوی*، ص ۲۴۳؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p.41.

7. → Kotwal, F. M., and Kreyenbroek, P. G., Vol. III, p.154.

۸. در صد در نثر (در ۳/۹-۴) علاوه بر «بریدن سر» به مجازات «پاره کردن شکم» نیز اشاره شده است.

Dhabhar, B. N., *Saddar Naṣr and Saddar Bundeheš*, pp.8-9.

۹. روایت *آذرفرنبغ* (پاسخ ۵۹). ← رضایی باغبیدی، حسن، ص ۴۵؛ Anklesaria, B. T., p.74.

۱.۲.۳. بریدن سر

بر اساس روایت پهلوی (۵/الف/۱۵) فرد مرگ‌ارزان باید توبه کند، اگر توبه کند سرش را در دنیا نباید برید ولی پس از مرگ در سومین شب درگذشت باید سر او بریده شود.^۱ در همین متن (۶۷/۴۸)^۲ و شایست ناشایست (۷/۸)^۳ اشاره می‌شود که برای هر گناه مرگ‌ارزان باید یک بار سرش بریده شود. «... که مرده ایشان را باز آریند؛ "چنانچه در گیتی" به توبه باشند (= کرده باشند) برای هر گناه مرگ‌ارزانی که انجام شده است، یک بار سرشان را ببرند...».

۲.۲.۳. پادافراه سه‌شبه^۴

و اگر به توبه نماند «باشد» (= پتت ناکرده باشد)، تا تن پسین در دوزخ «افتد» و در تن پسین «او را» از دوزخ بیاورند و برای هر «گناه» مرگ‌ارزانی، یک بار سر «وی» را ببرند و در بار آخر، باز او را زنده کنند و پادافراه گران سه شبه بنمایند.^۵

۳.۲.۳. دوزخ

از روایت پهلوی (۱۵/الف/۶-۷ و ۱۲) چنین روشن می‌شود، اگر فرد مرگ‌ارزان در دنیا توبه نکند تا تن پسین در دوزخ خواهد بود. در هنگام تن پسین، تن مادی او را بازسازی

۱. نک: میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۲۴۳؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p.41.

۲. نک: همان، ص ۳۲۱؛ *ibid.*, p.151.

۳. برای شایست ناشایست ← ۳-۲-۲ و مزداپور، ۱۳۹۰ش، ص ۹۷؛ Davar, 1912, p.39.

۴. در بندهش در تعریف گناه سه‌شبه آمده است. چنین گوید که در آن روز که دروند از پرهیزگار و پرهیزگار از دروند جدا باشند، اشک هر کس تا به قوزک او فرود آید. چون پسر را از انبازی پدر و برادر را از آن که برادر است و دوست را از آن که دوست است، جدا کنند، هر کس کنش (= کردار) خویش را تحمل کند. پرهیزگار گریه بر دروند و دروند گریه بر خویشتن. باشد که پدر پرهیزگار و پسر دروند، باشد که یک برادر پرهیزگار و یک «برادر» دروند است. آنان که برای خود ناسودآوری (؟) کرده‌اند، مانند ضحاک و افراسیاب و وامون و نیز دیگر از این گونه مرگ‌ارزانان، ده گونه پادافراه تحمل کنند (که) هیچ مردم تحمل نکند، که پادافراه سه شبه خوانند. نک: بهار، مهرداد، صص ۱۴۶-۱۴۷؛ دستنویس ت. د. ۲، ص ۲۲۴.

۵. نک: مزداپور، کتابیون، ص ۹۷؛ Davar, M. B., p. 39.

می‌کنند و برای هر گناه، یک بار سر او را می‌برند و دوباره او را به دوزخ می‌افکنند تا رستگار شود.^۱ در *دادستان دینی* (۴/۴۰) آمده، هر گاه کسی بدون آنکه توبه کرده باشد، بمیرد به واسطهٔ آن گناه مرگ‌ارزان در بدترین مکان (= دوزخ) قرار می‌گیرد و به وسیلهٔ دیوان بسیار درد و سختی متحمل می‌شود.^۲ در *ارداویراف‌نامه* نیز جای فرد مرگ‌ارزان در دوزخ است، جایی که بدبو و تاریک است، سرما و گرمای سخت و بسیار بدبختی‌های دیگر دارد.^۳

۴. کارهایی که فرد مرگ‌ارزان نباید انجام دهد

کسی که مرتکب گناه مرگ‌ارزان می‌شود از انجام برخی کارها باید خودداری می‌کرد. بر اساس متون پهلوی این اعمال عبارتند از:

۴.۱. راه رفتن بر روی زمین

فرد مرگ‌ارزان نباید روی زمین راه می‌رفت؛ شاید به همین دلیل بود که او را به زندان می‌افکندند ← ۳-۱-۱. بر اساس *شایست ناشایست* (۲۲/۱۵) وقتی فرد مرگ‌ارزان روی زمین راه می‌رود موجب به وجود آمدن زلزله می‌شود و وقتی مرگ‌ارزان بیشتری بر روی زمین راه بروند، زلزله بیشتر ایجاد می‌شود. علت آن هم این است که راه رفتن مرگ‌ارزان بر روی زمین، موجب آزار سپندارمذ می‌شود.^۴

۴.۲. نشان دادن آتش

در *روایت پهلوی* (۲۳/۱۸) آمده است، فرد مرگ‌ارزان مجاز به نشان دادن آتش نیست.^۵

۱. نک: میرفخرایی، مهشید، *روایت پهلوی*، صص ۲۴۳ و ۲۴۴؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, pp.41,42.

2. → Jaafari-Dehaghi, M., pp.168-171.

۳. نک: آموزگار، ژاله، ص ۷۹؛ Jamasp Asa, D. K., p.50.

۴. نک: مزدایور، کتایون، ص ۲۱۶؛ Kotwal, F. M., p.30.

۵. نک: میرفخرایی، مهشید، *روایت پهلوی*، ص ۲۶۰؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p.65.

۳.۴. ستوری کردن

در *مادیان هزار دادستان* (۱۳/۹۷-۱۵) یکی از کارهایی که فرد مرگ‌ارزان نباید انجام می‌داد، ستوری کردن است. هر گاه کسی ستوری به عهده داشت با انجام گناه مرگ‌ارزان از سمت خود برکنار می‌شد.

و چنانچه [کسی] برای ستوری گمارده شد و پس از گمارده شدن، به سبب [گناه] مرگ‌ارزان ملزم به انجام آزمایش ور شد، کسی (= حقوقدانی) بود که گفت که آن ستوری را باید کند (= لغو کرد) و مرد شایسته دیگری را [برای ستوری] گمارد و کسی بود که گفت [ستوری را] نباید لغو کرد.^۱

۴.۴. باژ دادن

یکی دیگر از کارهایی که فرد مرگ‌ارزان نباید انجام دهد باژ دادن است که در *مادیان هزار دادستان* (انکلساریا: ۱۱-۹/۳۵) به آن اشاره شده است. چنین فردی نباید باژ دهد و نباید از او باژ گرفت.^۲

۵. کارهایی که در مورد فرد مرگ‌ارزان نباید انجام می‌شد

فردی که مرتکب گناه مرگ‌ارزان می‌شد از بسیاری از مراسم دینی محروم می‌شد. چنین فردی، اگر توبه نمی‌کرد نباید برای او یزش انجام می‌گرفت. همچنین نباید برای او مراسم سدوش انجام می‌شد.^۳ هر گاه فرد مرگ‌ارزان توبه می‌کرد، این مراسم برای او انجام می‌شد. در *روایت پهلوی* (۵/الف/۱۵) نیز آمده است که انجام این مراسم منوط به توبه کردن فرد است.^۴ بر اساس *مادیان هزار دادستان* (انکلساریا: ۱۱-۹/۳۵) نیز از مرگ‌ارزان نباید باژ گرفت و باژ داد.^۵

1. → Perikhanian, A., pp.222-223.

2. → *ibid.*, pp.312-313.

۳. نک: مزدآپور، کتیون، ص ۹۶؛ Davar, M. B., p.38.

۴. نک: میرفخرایی، مهشید، *روایت پهلوی*، ص ۲۴۳؛

Dhabhar, B. N., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, p.41.

5. Perikhanian, A., pp.312-313.

یکی از ممنوعیت‌هایی که در مورد فرد مرگ‌ارزان وجود داشت، شهادت زن به گناه مرگ‌ارزان شوهر خود است که موجب می‌شد زن از ارث و ستوری محروم شود.^۱

... اگر زن درباره شوی خویش بگوید که «او [گناه] مرگ‌ارزان کرد»، دارایی شوی [برای او] باقی نمی‌ماند (= به او ارث نمی‌رسد)، نیز ستور شوی نمی‌شود.^۲

نتیجه

گناهان مرگ‌ارزان را مانند دیگر گناهان می‌توان از جهت آسیب به دیگری و روان خود به دو دسته همیمالی و روانی تقسیم کرد. در این میان گناهی مانند قتل، گواهی دروغ، دزدی، عدم خویشکاری، افشای راز، کمک نکردن به فقرا، خراب کردن پل، گناهان همیمالی به شمار می‌آیند. و گناهی مانند گرویدن به دین دیگر، دروغ‌گویی و آموزش دروغ، جادوگری آموختن، لواط کردن، گناهی در رابطه با نسا (مانند انداختن نسا در آب یا آتش، سگ‌دید نکردن نسا، حمل نسا به تنهایی)، گناهی که در رابطه با آتش انجام می‌گیرد (مانند خاموش کردن آتش بهرام، سوزاندن اعضای بدن در آتش مانند سوزاندن موی بدن) و فریفتاری از گناهان روانی مرگ‌ارزان محسوب می‌شود.

بر اساس متون فارسی میانه مجازات فرد مرگ‌ارزان مرگ بود. اما قبل از آن گناهکار باید مراحل طی می‌کرد که در متون حقوقی و دینی به آن اشاره شده است. بر اساس متن حقوقی *مادیان هزار دادستان* فرد گناهکار به عنوان متهم ابتدا به زندان افکنده می‌شد. اگر اتهام خود را می‌پذیرفت، محکوم به مرگ می‌شد ولی اگر نمی‌پذیرفت ملزم به آزمایش ور می‌شد. پس از آزمایش ور و اثبات گناهکاری باید به گناه خود اعتراف می‌کرد و سپس اموال او مصادره می‌شد. دارایی فرد مرگ‌ارزان از نظر دادگاه لزوماً به کسی که گناه در مورد او انجام شده بود نمی‌رسید و می‌توانست متعلق به کسی باشد که در آن زمان، آن مال را در اختیار داشت. بر اساس متون دینی، دارایی او به ردان سپرده می‌شد. گناهکار قبل از مرگ باید تاوان گناه خود را پرداخت می‌کرد و اجازه نداشت پرداخت تاوان را به بعد موکول کند

۱. در صورتی که مردی به گناه مرگ‌ارزان زن خود گواهی دهد، ارث و ستوری از زن گرفته نمی‌شود.
اگر مرد درباره زن خویش گوید که «او [گناه] مرگ‌ارزان مرتکب شد» [با] مرگ آن مرد، [دارایی] شوی برای آن زن می‌ماند و [می‌تواند] ستور آن مرد شود (نیز نک: Perikhanian, A., pp.220-221).
2. → Perikhanian, A., pp.220-221.

و قبل از اجرای مجازات باید آن را پرداخت می‌کرد. همچنین او باید هزینه دادرسی را که ۹۵ درهم بود، به دادگاه می‌پرداخت. پس از طی این مراحل، گناهکار آماده مجازات مرگ می‌شد. در متون دینی، فرد مرگ‌ارزان باید در نزد ردان به گناه خود اعتراف می‌کرد؛ خود و دارایی خود را به آنان تسلیم می‌نمود؛ و سپس از گناه خود توبه می‌کرد. کسی که از گناه خود توبه نمی‌کرد برای همیشه در دوزخ می‌ماند. در متون دینی نیز سرانجام کار برای فرد مرگ‌ارزان، مرگ بود.

مجازات فرد مرگ‌ارزان به دو صورت دنیوی و اخروی انجام می‌گرفت. در مجازات دنیوی سر او را می‌بریدند؛ ولی مجازات او در این مرحله پایان نمی‌پذیرفت بلکه پس از مرگ نیز مستوجب عقوبت اخروی می‌شد. نکته اول اینکه به موجب متون فارسی میانه، فرد مرگ‌ارزان پس از مرگ برای هر گناه مرگ‌ارزان یک بار سرش بریده می‌شد که این می‌توانست به چند دلیل باشد، اول، فردی که مرتکب چندین گناه مرگ‌ارزان می‌شد، عدالت حکم می‌کرد برای تمام گناهان خود مجازات شود. چنین فردی یکی از مجازات‌های خود را در دنیا و بقیه را در آخرت متحمل می‌شد. دوم، بر اساس برخی متون، کسی که توبه می‌کرد سر او را نمی‌بریدند و این کار پس از مرگ انجام می‌گرفت که دو امکان را می‌توان برای آن متصور شد، شاید مجازات مرگ برای برخی گناهان مانند گناهان مربوط به نسا، آتش و ... بعدها بسیار تند و سختگیرانه به نظر می‌رسید و به قول مزدآپور^۱ با مجازات تناسبی نداشت و موبدان برای حفظ آداب دینی و سنتی، مجازات اخروی را برای این دسته از گناهان تعیین می‌کردند. و شاید هم، مجازات بریدن سر، مجازات سختگیرانه‌ای بوده که به مرور زمان منسوخ و مجازات اخروی جای آن را گرفته است.

علاوه بر مجازات مرگ و مراحل دادرسی که برای فرد مرگ‌ارزان در نظر گرفته می‌شد، احکام دیگری نیز درباره چنین گناهکاری اجرا می‌شد. از جمله، فرد مرگ‌ارزان نباید بر روی زمین راه می‌رفت، نباید آتش می‌نشاند، از ستوری منع می‌شد، چنین فردی نباید باژ می‌داد و باژ می‌گرفت و از مراسم دینی محروم می‌شد.

۱. نک: مزدآپور، کتابون، ص ۱۰۶.

منابع

- آموزگار، ژاله (ترجمه و تحقیق)، *ارداویراف نامه (ارداویرازنامه)*، چاپ دوم، تهران، انتشارات معین- انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۸۲ش.
- بهار، مهرداد (ترجمه و تحقیق)، *بندهش*، تهران، توس، ۱۳۸۰ش.
- پورداد، ابراهیم (ترجمه و تحقیق)، *یشتها*، جلد اول، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش.
- همو، *یادداشت‌های گاتها*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱ش.
- تفضلی، احمد، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن، ۱۳۷۶ش.
- همو (ترجمه و تحقیق)، *مینوی خرد*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، توس، ۱۳۷۹ش.
- حسینی، سید حسن، «درجات گناه، تاوان و پتیت در دین زردشتی»، *هفت آسمان*، ش ۲۸، ۱۳۸۴ش، صص ۱۸۷-۲۲۴.
- داراب هرمزدار، *روایات*، ۲ جلد، به کوشش رستم انوالا، بمبئی، ۱۹۲۲م.
- دارمستتر، جیمس، *مجموعه قوانین زردشت یا ون‌دایاد اوستا*، ترجمه موسی جوان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۲ش.
- دستنویس ت. د. ۲، *بندهش ایرانی*، *روایات امید اشوهیشتان و جز آن*، به کوشش ماهیار نوایی، محمود طاووسی، منوچهر جی جاماسب آسانا، انتشارات موسسه آسیایی دانشگاه پهلوی شیراز، ۱۳۵۷ش.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، به کوشش محمد معین و سید جعفر، تهران، سازمان لغت‌نامه، ۱۳۳۴ش.
- رضائی باغبیدی، حسن (ترجمه و تحقیق)، *روایت آذرفرنبغ فرخزادان*، تهران، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴ش.
- رضی، هاشم، *کتاب مغان ون‌دایاد*، ۲ جلد، تهران، بهجت، ۱۳۸۵ش.
- صفای اصفهانی، نزهت، *روایت امید اشوهیشتان متعلق به قرن چهارم هجری*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶ش.
- عریان، سعید (ترجمه و تحقیق)، *مادیان هزار دادستان (هزار رای حقوقی)*، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۹۱ش.
- عقیقی، رحیم، *اساطیر و فرهنگ ایران*، چاپ دوم، تهران، توس، ۱۳۸۲ش.
- گشتاسب، فرزانه، *فرهنگ اویم ایوک*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در دست چاپ.
- Modi, J. J. ← *مادیان هزار دادستان*
- Anklesaria, T. D. ← *مادیان هزار دادستان انکلساریا*
- مزداپور، کنایون (ترجمه و تحقیق)، *شایست ناشایست*، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ش.

- مزدپور، کنایون، «بررسی چند اصطلاح فارسی میانه دربارهٔ خانواده»، *زبان‌شناخت*، سال اول، بهار و تابستان. ش ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹ش.
- مکنزی، دیوید نیل، *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، جلد ۳، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱ش.
- میرفخرایی، مهشید، «گناه و تاوان آن در نوشته‌های پهلوی»، *پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران*، س ۱، ش ۲، ۱۳۵۶ش، صص ۱۲۵-۱۳۶.
- همو (ترجمه و تحقیق)، *روایت پهلوی، آوانویسی، برگردان فارسی، یادداشت‌ها و واژه‌نامه*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
- یاحقی، محمدجعفر، *فرهنگ اساطیر ایران و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹ش.
- Anklesaria, B. T.(ed.), *The Pahlavi Rivāyat of Āurfarnbag and Fanbag-Srōš*, Vol. II, Bombay, 1969.
- Anklesaria, T. D., *The Social Code of the Parsees in Sasanian Times or the Madigān-i-HazārDādistān*, Part II, With an intro. By J. J. Modi, Bobay, 1912.
- Idem(ed.), *Dānāk-u mainyō-I khrad*, Bombay, 1913.
- Idem(ed.), *Rivāyat-i Hēmit-i Ašawahištan*, Bombay, 1962.
- Davar, M. B., *šāyast lā-šāyast*, Bombay, 1912.
- Dhabhar, B. N., *Saddar Našr and Saddar Bundešesh*, Bombay, 1909.
- Idem, *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, Bombay, 1913.
- Idem(ed.), *Zand-i Khūrtak Avestāk*, Bombay, 1927.
- Idem, *Tranlation of Zand-i Khūrtak Avestāk*, Bombay, 1963.
- Hoshangji Jamaspji and Haug, M., *A Old Zand-Pahlavi Glossary*, Bombay London-Stuttgart, 1867.
- Jaafari-Dehaghi, M.(ed.), *Dātestān ī Dēnīg (Part I Transcription, Tranlation and Commentary)*, Paris, 1998.
- Jamasp Asa, D. K. (ed.), *Arda viraf nameh*, Bombay, 1902.
- Jamasp Asa, D. H. (ed.), *Vendidad (Avesta Text with Pahlavi Translation)*, Vol. I, Bombay, 1907.
- Kanga, K. E.(ed.), *The Pahlavi Vendidad*, Bombay, 1900.
- Idem(ed.), *Khordek Avestā Transliterated and Translated in English*, Bombay, 1993.
- Kotwal, F. M. P. *The Supplementary Texts to the Šāyest nē-šāyest*, Copenhagen, 1969.
- Kotwal, F. M. and Kreyebroek, P. G. (ed.), *The Hērbedestān and Nērangestān*, Vol I, *Hērbedestān*, Paris, 1992.
- Kotwal, F. M. and Kreyebroek, P. G. (ed.), *The Hērbedestān and Nērangestān*, Vol II, *Nērangestān, Fragard 1*, Paris, 1995.
- Kotwal, F. M. and Kreyebroek, P. G. (ed.), *The Hērbedestān and Nērangestān*, Vol III, *Nērangestān, Fragard 2*, Paris, 2003.

-
- Macuch, M., "Mādayān ī Hazār Dādestān", *Encyclopædia Iranica*, 2005.
<http://www.iranicaonline.org/articles/madayan-i-hazar-dadestan>
 - Macuch, M., "Judicial and Legal Systems III, Sasanian Legal System", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. XV, Fasc. 2, 2009, pp. 181-196.
 - Modi, J. J.(ed.), *Mâdigân-i- HazârDâdîstân*. Part I. Poona, 1901.
 - Perikhanian, A.(ed.), *The Book of a Thousand Judgements (a sasanian Law-Book)*.tr. Nina Garsoïan, New York, 1997.
 - Shaki, M., "Ayōkēn", *Encyclopædia Iranica*, London- New York, 1987.
 - Shaki, M., "Cakar", *Encyclopædia Iranica*, London- New York, 1990.